

The Effect of Social and Communication Skills Training on Reducing Adolescent Suicide

(Case study: Male adolescents of Kerman Correctional Center)

Neda Fadaee¹

GholamReza Jafarinia (Ph.D.)²

Moloud Keykhosrovani (Ph.D.)³

Abstract

The goal of this research was to determine the influence of social and communication skills training on high-risk behaviors, including suicide, among male teenagers in Kerman over the years 1399-1400. The study is quantitative and survey in nature. The statistical population for this study was male teenagers incarcerated at Kerman Correctional Center, a total of 43 individuals who were examined utilizing a quasi-sampling approach in conjunction with a quasi-experimental research method. All individuals completed a questionnaire assessing high-risk behaviors, and after teaching social and communication skills to the experimental group of 22, a post-test was administered. The Mankova index was used to examine the data with SPSS 21 software. The hypothesis test revealed that social and communication skills training was beneficial in preventing suicide among teenagers at Kerman Correctional Center, with a ratio of F equal to 11.69 with a 95% confidence interval.

Keywords: *Social Skills, Communication Skills, Suicide, Adolescents of Kerman Correctional Center.*

-
1. PhD Student in Sociology, majoring of social issues of Iran, Islamic Azad University, Bushehr Branch, Bushehr, Iran, Rose.fadaee@gmail.com
 2. Correspondent Author: Associate Professor, Department of Social Sciences, Islamic Azad University, Bushehr Branch, Bushehr, Iran, Jafarynia_reza@iaubushehr.ac.ir
 3. Assistant Professor, Department of Psychology, Islamic Azad University, Bushehr Branch, Bushehr, Iran, Molood.Keykhosrovani@gmail.com

تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی بر کاهش خودکشی نوجوانان

(مطالعه موردی: نوجوانان پسر کانون اصلاح و تربیت شهر کرمان)

ندا فدایی*، دکتر غلامرضا جعفری نیا**

دکتر مولود کیخسروانی***

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۰۹

چکیده

هدف از انجام این پژوهش بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی در کاهش رفتارهای پرخطر، به خصوص خودکشی نوجوانان پسر شهر کرمان در سال ۱۳۹۹-۱۴۰۰ است. روش تحقیق کمی و پیمایشی است. جامعه آماری این تحقیق، نوجوانان پسر کانون اصلاح و تربیت شهر کرمان بوده که تعداد آنها برابر با ۴۳ نفر است که با استفاده از روش نمونه‌گیری همه‌شماری با روش تحقیق نیمه تجربی مورد آزمون قرار گرفتند. تمام آزمودنی‌ها با استفاده از پرسشنامه رفتارهای پرخطر مورد پیش‌آزمون قرار گرفتند و بعد از آموزش مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی به گروه آزمایش که شامل ۲۲ نفر می‌شدند، پس از آزمون انجام شد. با استفاده از شاخص مانکوا در نرم‌افزار اسپس ۲۱، به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته شد. نتایج آزمون فرضیات نشان داد که آموزش مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی بر کاهش خودکشی نوجوانان کانون اصلاح و تربیت شهر کرمان مؤثر بوده، یعنی نسبت اف با اطمینان ۹۵ درصد برابر با ۱۱/۶۹ بوده است.

کلیدواژه‌ها: مهارت‌های اجتماعی، مهارت‌های ارتباطی، خودکشی، نوجوانان کانون اصلاح و تربیت کرمان.

*. دانشجوی دکتری، گروه جامعه‌شناسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران

Rose.fadaee@gmail.com

** نویسنده مسئول: دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران

Jafarynia_Reza@yahoo.com

*** استادیار گروه روانشناسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران

Molood.Keykhosrovani@gmail.com

مقدمه

نوجوانی دوره‌ای از رشد است که با تغییرات سریع جسمانی، روانی، اجتماعی و فرهنگی همراه است. الگوهای رفتاری که در این دوره شکل می‌گیرند، آینده فرد را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهند. به همین دلیل، برخی از مشکلات رفتاری ایجادشده در این برهه، در دوره‌های بعدی زندگی، خود را به صورت ویژگی‌های پایدار نشان می‌دهد (احمدی، خدادادی سنگده، ملازمانی، خائزاده و امینی‌منش، ۱۳۹۴: ۴). دوره نوجوانی به دلیل خودمحوری و عدم درک صحیح نوجوان از رفتارهای خود، مرحله مهمی برای شروع رفتارهای پر خطر محسوب می‌شود (هان^۱ و کیلور^۲، بارز^۳، کاستیلو^۴ و دلوا^۵، ۲۰۱۲). در این دوره ممکن است خطراتی همچون هم‌نشینی با هم‌سالان بزهکار و انجام رفتارهای پر خطر، نوجوانان را تهدید کند. دوران نوجوانی از ادوار پر اهمیت در فرایند رشد آدمی محسوب می‌شود و قدم گذاردن به این دوره، معمولاً با بلوغ آغاز می‌شود (مک کالی^۶، گودماندسن^۷، سکلورت^۸، مارتل^۹، روو^{۱۰}، هابلی^{۱۱} و دیمیدیان^{۱۲}، ۲۰۱۶). شکوفایی غریزه جنسی، تثبیت و تحکیم علائق و منافع شغلی و اجتماعی، میل به آزادی و استقلال از ویژگی‌های مهم این دوره است (هنبرگر^{۱۳}، ورگا^{۱۴}، مودی^{۱۵} و تولان^{۱۶}، ۲۰۱۶). در نتیجه، زمینه گرایش به انحرافات اجتماعی، از جمله رفتارهای پرخطر در آنها فراهم می‌شود (براون^{۱۷}، بنوت^{۱۸}، یوهاس^{۱۹}، لبل^{۲۰}، مک کی^{۲۱}، دمتو^{۲۲} و گرین شاو^{۲۳}، ۲۰۱۵).

1. Han
2. Kaylor
3. Bares
4. Castillo
5. Delva
6. McCauley
7. Gudmundsen
8. Schloredt
9. Martell
10. Rhew
11. Hubley
12. Dimidjian
13. Henneberger
14. Verga
15. Moudy
16. Tolan
17. Brown
18. Benoit
19. Juhas
20. Lebel
21. Mackay
22. Dametto
23. Greenshaw

مطالعه‌های جهانی نشان داده‌اند که اغلب رفتارهای پر خطر در سنین قبل از ۱۸ سالگی آغاز می‌شوند و رفتارهایی شامل: مصرف سیگار، الکل و مواد مخدر را در بر می‌گیرند (آل مهادمی^۱، ولف کاریوس خیاری^۲، مهالا^۳، سالم^۴ و سلطانی^۵، ۲۰۱۱). وجدانی به نقل از توماس می‌گوید: پژوهش‌های انجام شده در ایران نیز بیانگر شیوع رفتارهای پرخطر، مانند: مصرف سیگار، قلیان، الکل و مواد مخدر در بین نوجوانان ۱۴ تا ۱۸ سال هست (وجدانی، ۱۳۹۷: ۱۱۳۹). مسئله مهم مورد توجه جامعه‌شناسان، نظم و انسجام اجتماعی است. اما باید این واقعیت را در نظر داشت که همیشه همه افراد جامعه با هنجارهای اجتماعی که موجد نظم اجتماعی هستند، هم‌نوا نمی‌شوند و مرتکب رفتار انحرافی خواهند شد (احمدی، ۱۳۹۴: ۵۳). یک عمل زمانی انحراف تلقی می‌شود که به لحاظ اجتماعی، رفتاری انحرافی^۶ تعریف شده باشد و فرهنگ عمومی جامعه، این عمل را انحراف^۷ دانسته، افرادی را که مرتکب چنین عملی شده‌اند، مجازات کند (احمدی، ۱۳۹۶: ۶). انحراف اجتماعی^۸ را غالباً رفتاری می‌دانند که برخلاف وفاق جامعه است و آن را عدم هم‌نویی با یک هنجار یا مجموعه‌ای از هنجارهای مورد پذیرش اکثریت اعضای جامعه تعریف کرده‌اند. بنابراین، از دیدگاه جامعه‌شناسی انحرافات، انحراف اجتماعی، پیوستاری از رفتار است که هم به تخلف از قانون، نظیر قتل و اختلاس و هم به تخلف از هنجارهای اجتماعی و فرهنگی بدون قانون‌شکنی رسمی، نظیر فرار جوانان از خانه ارجاع داده می‌شود (احمدی، ۱۳۹۴: ۲۰). برخی از رفتارهای انحرافی، مربوط به گروه سنی خاصی است. به رفتار انحرافی نوجوانان که به سن قانونی نرسیده‌اند (زیر ۱۸ سال) رفتار بزهکارانه^۹ می‌گویند و نوجوانان مرتکب این رفتارها، بزهکاران جوان نام دارند. این اصطلاح به طور رسمی و قانونی در سال ۱۸۹۹ تدوین شد و در همین زمان، اولین قانون بزهکاری در شیکاگو آمریکا به کار گرفته شد (شومیکر^{۱۰}، ۱۳۹۷: ۱۵-۱۶). جوانی ساخت جمعیت و تأخیر فرایند جامعه‌پذیری نسبت به نظم نوین جهانی در جامعه در حال گذار ایران معاصر، منجر

1. El Mhamdi
2. Wolfcarius-Khiari
3. Mhalla
4. Salem
5. Soltani
6. Deviant Behavior
7. Deviance
8. Social deviance
9. Deliquent Behavior
10. Shoemaker

به رشد مسئله بزهکاری جوانان و نوجوانان شده است. توجه جامعه‌شناسی انحرافات به مطالعه بزهکاری جوانان، از زمانی آغاز شد که طیفی وسیع از رفتارهای نابهنجار، نظیر: مصرف داروهای مخدر، تخریب اموال عمومی و خصوصی، اوباشگری بعد از مسابقات فوتبال، مصرف بیش از اندازه مشروبات الکلی، رفتار نامشروع و نامطمئن جنسی و فرار از خانه و مدرسه در بین نوجوانان شیوع پیدا کرد (احمدی، ۱۳۹۶: ۱۲۹). جوانی جمعیت و تأخر فرایند جامعه‌پذیری نسبت به نظم نوین جهانی در جامعه در حال گذار ایران معاصر، منجر به رشد مسئله بزهکاری جوانان و نوجوانان شده است. در این زمینه، جوانانی که نمی‌توانند به علت ضعف عملکرد کارگزاران و [گاه] نابسامانی فضای ساختار حاکم بر نظام اجتماعی، تمایلات خود را به سوی رفتارهای هم‌نوا و بهنجار هدایت کنند، ناگزیر رفتارهای انحرافی و بزهکارانه از خود بروز می‌دهند (محمدی اصل، ۱۳۸۵: ۱۱). رفتارهای انحرافی جوانان انواع مختلفی دارد که بر حسب عمق، شدت و پیامدهای آن، به بزهکاری شدید مانند: تجاوز به عنف، سرقت مسلحانه، سوء مصرف الکل و مواد مخدر و نیز بزهکاری‌هایی نظیر: فرار از خانه و مدرسه، تخریب اموال عمومی و خصوصی و دزدی‌های کوچک تقسیم می‌شوند که در این پژوهش، به بخشی از رفتارهای انحرافی با عنوان «رفتارهای پر خطر»^۱ پرداخته می‌شود. رفتارهای پر خطر احتمال نتایج منفی و مخرب جسمی، روان‌شناختی و اجتماعی را برای فرد افزایش می‌دهند. علل عمده مرگ و بیماری در کشورهای صنعتی و در حال توسعه به تعداد نسبتاً محدودی از رفتارهای پرخطر برمی‌گردد که عمدتاً از سنین نوجوانی و جوانی شروع می‌شود (مرزبان، برزگران، ایاسی، مرزبان، دلاوری و رحمانیان، ۱۳۹۵). افراد در معرض خطر از راه آموزش مهارت‌های زندگی می‌آموزند که چگونه در ارتباط با سایر انسان‌ها، جامعه، فرهنگ و محیط خود مثبت و سازگارانه عمل کنند و سلامت روانی خود را تأمین کنند و چگونه با مشکلات فعلی که آنها را احاطه کرده رویاروی شوند. مهارت اجتماعی^۲ عبارت است از رفتارهای انطباقی آموخته‌شده که فرد را قادر می‌سازد با افراد مختلف روابط متقابل داشته باشد، واکنش‌های مثبت بروز دهد و از رفتارهایی که پیامد منفی دارد، اجتناب کند (کارتلیج^۳ و میلبرن^۴،

1. High risk behavior
2. Social skills
3. Kartiedge
4. Milbern

۱۳۹۵). مهارت‌های اجتماعی رفتارهایی هستند که تحول آنها می‌تواند بر روابط بین افراد از یک سو و بهداشت روانی آنان و نیز عملکرد مفید در اجتماع، از سوی دیگر مؤثر باشد. از نظر هارجی^۱، مهارت اجتماعی عبارت است از: مجموعه‌ای از رفتارهای هدفمند، به هم مرتبط و متناسب با وضعیتی که آموختنی بوده، تحت کنترل فرد است (هارجی، ساندرز^۲ و دیکسون^۳، ۱۳۹۲: ۱۳). ضعف در مهارت‌های اجتماعی موجب بروز رفتارهایی، مانند: بزهکاری، ناسازگاری، افت تحصیلی، مصرف مواد و اعتیاد می‌شود. در مقابل، دارا بودن مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی زمینه مشارکت فعال فرد را در اجتماع فراهم می‌کند و باعث می‌شود وی در رویارویی با وضعیت‌های دشوار اجتماعی واقعی، واکنش‌های اجتماعی مؤثری از خود بروز دهد. در واقع، داشتن مهارت‌های اجتماعی، توانایی‌های بالقوه فرد را بالفعل می‌کند. همچنین مهارت‌های ارتباطی، شامل آن دسته از مهارت‌هاست که به واسطه آنها افراد می‌توانند درگیر تعامل‌های بین فردی و فرایند ارتباط شوند، یعنی فرایندی که افراد طی آن، پیام‌های کلامی و غیرکلامی با یکدیگر در میان می‌گذارند. وجود این مهارت‌ها می‌تواند مانع روی آوردن جوانان و نوجوانان به رفتارهای پرخطر شود. با توجه به ساختار سنی جوان کشور و نظر به آنکه نوجوانان آسیب‌پذیرترین قشر جامعه را در برابر رفتارهای پرخطر تشکیل می‌دهند، بدیهی است که هرگونه ضایعه و نارسایی در بهداشت جسمی و روانی و در نتیجه، کاهش توانایی این قشر حرکت‌ساز، به گونه‌ای غیرقابل اجتناب به کندی در پیشرفت جامعه می‌انجامد و از طرف دیگر، عدم سلامت جسمی و روانی آنها ممکن است در درازمدت بر سلامت افراد جامعه اثر منفی بگذارد و بر عملکرد تحصیلی خود نوجوانان نیز تأثیر بسزایی دارد. برخی از پژوهش‌ها به بررسی رابطه بین زندگی در محیط‌های شهری و رفتارهای پرخطر پرداخته‌اند. نتایج نشان داد که زندگی در محیط‌های شهری توأم با رفتارهای پرخطر بیشتری است و همچنین با توجه به ساختار سنی جوان کشور و اینکه نوجوانان آسیب‌پذیرترین قشر جامعه را در برابر رفتارهای پرخطر تشکیل می‌دهند، بدیهی است که هرگونه ضایعه و نارسایی در بهداشت جسمی و روانی و در نتیجه، کاهش توانایی این قشر حرکت‌ساز، به گونه‌ای غیرقابل اجتناب، به کندی در پیشرفت جامعه می‌انجامد. از طرف

1. Hargie
2. Sanders
3. Dikson

دیگر، عدم سلامت جسمی و روانی آنها ممکن است در دراز مدت بر سلامت افراد جامعه اثر منفی بگذارد (اسماعیل زاده، اسدی، میری و کرامتکار، ۱۳۹۳: ۷۵). از آنجایی که در محیط‌های شهری و به‌ویژه شهرهای بزرگ با پدیده گمنامی مواجه هستیم و تراکم و ناهمگونی جمعیت نیز افزایش پیدا می‌کند، کنترل‌های اجتماعی غیررسمی دچار ضعف شده، کنترل‌های رسمی نیز جوابگوی جمعیت زیاد شهرهای بزرگ نیستند. لذا احتمال وقوع رفتارهای بزهکارانه و پر خطر نیز بیشتر می‌شود.

شهر کرمان یکی از شهرهای بزرگ ایران است که با جمعیت بالای هفتصد هزار نفر و قرار گرفتن در موقعیت جغرافیایی خاص به عنوان مرکز بزرگ‌ترین استان کشور، سیل مهاجرت از شهرهای دیگر، به دلیل زلزله بم و زرنده را به سوی خود روانه کرده است. بیشتر این مهاجران دارای تنوع فرهنگی و قومی بوده، همین عامل خود زمینه تمایلات بزهکارانه آنان را فراهم می‌کند.

قصد پژوهشگر از انجام این تحقیق، آموزش این مهارت‌ها به جوانان و نوجوانان درگیر با گروهی از رفتارهای پرخطر، یعنی رفتارهای خشونت‌آمیز است تا بتوان آنها را از خطر این رفتارها آگاه کرد؛ همچنین تلاش در جهت کاهش و رفع این معضل اجتماعی و پاسخ به سؤال اصلی پژوهش:

- آیا آموزش مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی در کاهش رفتارهای پرخطر نوجوانان مؤثر بوده است؟

ادبیات تحقیق

تعریف مفاهیم

دوره نوجوانی: اریکسون بیان می‌کند که نوجوانی دوره‌ای است که فرد باید با بحران هویت خود مواجه شده، آن را حل کند، یعنی زمانی که فرد به ادغام عقاید درباره خود و درباره اینکه دیگران چه تصویری از او دارند، می‌پردازد و در نتیجه، تصویری منسجم و با ثبات از خود می‌سازد (شولتز و شولتز، ۱۳۹۸: ۲۵۷).

خودکشی: دورکیم یکی از جامعه‌شناسانی است که در سال ۱۸۹۷ کتابی با عنوان خودکشی

نوشت و از آن وقت مباحث خودکشی در جامعه‌شناسی با دیدگاه وی شهرت یافت. وی خودکشی را این‌گونه تعریف می‌کند: «خودکشی به هر حالتی از مرگ اطلاق می‌شود که نتیجه مستقیم یا غیرمستقیم عملی باشد که شخص قربانی آن را انجام داده و از نتیجه عملش آگاه بوده و می‌دانسته است که می‌بایست به همین نتیجه برسد (آرون، ۱۳۸۱: ۳۷۳-۳۹۱).

مهارت‌های اجتماعی: مهارت‌های «جرات‌ورزی، مربوط به پرورش حس همکاری، مسئولیت‌پذیری و نوع‌دوستی، خودگردانی، درک اجتماعی و شناسایی ارزش‌های جامعه، مربوط به قوانین اجتماعی، شغل‌یابی و حفظ شغل، گذران اوقات فراغت، مقابله‌ای و مهارت‌های ارتباطی» در برخی از تقسیم‌بندی‌ها زیرمجموعه مهارت‌های اجتماعی قلمداد شده‌اند. اما در این پژوهش، جداگانه در نظر گرفته شده‌اند. مهارت‌های ارتباطی بخشی از مهارت‌های زندگی هستند و توانایی و ظرفیت ایجاد ارتباط، به موفقیت در زندگی منجر می‌شود (احمدی و معینی، ۱۳۹۴). مهارت‌های ارتباطی به‌طور کلی مربوط به فرایند برقراری ارتباط میان حداقل دو نفر است و به مجموعه رفتارهایی اطلاق می‌شود که به انسان کمک می‌کنند تا میان عواطف و نیازهای خود ارتباط برقرار و به اهداف فردی و اجتماعی اش دسترسی پیدا کند. مهارت‌های ارتباطی^۱، شامل: «توانایی گوش دادن فعالانه، مهار و نظم‌دهی به هیجان‌ها، توانایی دریافت و ارسال پیام‌های واضح ارتباطی، فعال بودن و قاطعیت در ارتباط، مهارت‌های کلامی و غیرکلامی، مهارت‌های فرازبانی، برقراری ارتباط، برقراری ارتباط با غریبه‌ها، مهارت‌های برقراری دوستی، ارتباط با جنس مخالف و مهارت‌های گسترش تعاملات اجتماعی» می‌شوند (احمدی و معینی، ۱۳۹۴).

پیشینه تحقیق

با توجه به موضوع مهم رفتارهای پرخطر نوجوانان، تحقیقات متعددی در این زمینه انجام شده است.

- علیزاده و راهب، میرزایی و حسین‌زاده (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «اثربخشی آموزش کفایت اجتماعی در گرایش به رفتارهای پرخطر نوجوانان پسر مراکز شبانه‌روزی بهزیستی در شهرهای مشهد و سبزوار» به بررسی موضوع مورد نظر پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد

که اثر معناداری بر نمرات پس آزمون خرده مقیاس‌ها، با خطای ۵ درصد گرایش به رفتارهای پر خطر داشت. همچنین تغییرات نمرات پس آزمون خرده مقیاس‌های «گرایش به رانندگی خطرناک، گرایش به خشونت، گرایش به مصرف سیگار، مواد مخدر، الکل، گرایش به رابطه و رفتار جنسی و گرایش به جنس مخالف» را تبیین می‌کند. همچنین فرضیه اصلی تحقیق، یعنی «تأثیر آموزش کفایت اجتماعی بر گرایش به رفتارهای پرخطر نوجوانان پسر مراکز شبانه‌روزی بهزیستی» تأیید شد (علیزاده و همکاران، ۱۳۹۹).

- خواجه نوری و هاشمی‌نیا (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «رابطه اوقات فراغت و بزهکاری، نمونه مورد مطالعه: دانش‌آموزان دبیرستانی شهر شیراز» نشان دادند که بین فعالیت‌های اوقات فراغت سازمان‌یافته و رفتارهای بزهکارانه رابطه منفی وجود داشت. اما بین فعالیت‌های فراغتی سازمان‌نیافته و بزهکاری رابطه معنادار مثبت دیده شد. نتایج به‌دست‌آمده از مدل رگرسیونی با چهار متغیر «وقت تلف کردن، جنسیت، جامعه‌پذیری بدون نظارت و اوقات فراغت سازمان‌یافته» بر روی هم، ۲۳ درصد تغییرات متغیر بزهکاری را تبیین کرده بود (خواجه نوری و هاشمی، ۱۳۹۸).

- شهبازیان خونیک، حسنی و سلیمانی (۱۳۹۵) در پژوهشی با نام «بررسی نقش هوش اخلاقی و اجتماعی در رفتارهای پرخطر دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کردستان در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵» به بررسی پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد که بر اساس ضرایب همبستگی، به‌جز روابط مؤلفه دلسوزی با مصرف الکل و مؤلفه‌های راست‌گویی و بخشش با گرایش به رفتارهای پرخطر جنسی که معنادار نبودند، بین سایر مؤلفه‌های هوش اخلاقی و مؤلفه‌های رفتارهای پرخطر روابط منفی وجود دارد (با خطای ۱٪). نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه نیز نشان داد که مؤلفه‌های هوش اخلاقی و هوش اجتماعی توانستند به‌طور معناداری تمام مؤلفه‌های رفتارهای پرخطر را پیش‌بینی کنند (شهبازیان خونیک و همکاران، ۱۳۹۶).

- کردنوقابی، مرادی و دلفان بیرانوند (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «خشونت در مدرسه: نقش توانایی همدلی، مهارت‌های ارتباطی و حل تعارض در کاهش رفتارهای خشونت‌آمیز نوجوانان» به بررسی پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد که ماتریس کوواریانس

داده‌ها همگون است و یافته‌های مربوط به تحلیل کوواریانس چند متغیری برای بررسی اثر عمل آزمایشی (آموزش مهارت‌های ارتباطی) بر متغیرهای وابسته (همدلی، ارتباط مؤثر و حل تعارض) ارائه شده است و ارزش‌های اثر پیلانی (محافظه‌کارترین) و ویلکس لامبدا (رایج‌ترین) برای هر پیش‌آزمون و گروه ارائه شده است. بنابراین، با توجه به معنادار بودن اثر پیلانی و ویلکس لامبدا (درصد خطای یک هزارم) تأثیر معنادار بودن آموزش مهارت‌های ارتباطی تأیید می‌شود (کردنوقایی و همکاران، ۱۳۹۶).

- رحیمی، خرم‌آبادی، نوایی و معین (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «بررسی میزان تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی در کاهش رفتارهای خطرناک دانش‌آموزان پسر دوره متوسطه در معرض خطر» به بررسی پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان داد که آموزش مهارت‌های زندگی موجب شده است تا نوع نگرش دانش‌آموزان در معرض خطر نسبت به مصرف مواد مخدر و میزان احساس افسردگی آنها و همچنین مشکلات دانش‌آموزان پسر در زمینه جرأت‌مندی و خودکنترلی و میزان هیجان‌خواهی به‌طور معناداری کاسته شود (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۵).

- رضایی و صاحب‌دل (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «اثر بخشی آموزش مهارت‌های هوش معنوی در کاهش رفتارهای پرخطر دانش‌آموزان پسر دوره متوسطه دوم» به بررسی پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد که با سطح معناداری ۹۵ درصد، با استفاده از روش آماری تحلیل کوواریانس و T مستقل آموزش خودآگاهی باعث کاهش میزان رفتارهای پرخطر در گروه آزمایش شده است (رضایی و صاحب‌دل، ۱۳۹۵).

- احمدی و معینی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه مهارت‌های اجتماعی و رفتارهای پرخطر جوانان: مطالعه موردی شهر شیراز» به بررسی پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد که بین درآمد، دلبستگی به خانواده و دوستان، تعهد به هنجارها، مشارکت، باور به اصول اخلاقی، مهارت‌های اجتماعی و رفتارهای پرخطر رابطه معناداری وجود دارد. همچنین به لحاظ رفتارهای پرخطر بین جنس، وضعیت تأهل، طبقه اجتماعی، ساختار خانواده تفاوت معناداری وجود داشت. اما بین سن، تحصیلات و رفتارهای پرخطر رابطه معناداری مشاهده نشد و معادله رگرسیونی مربوط به تحلیل چند متغیره، متغیرهای مستقل

برای پیش‌بینی متغیر وابسته رفتارهای پرخطر نیز نشان داد که در مجموع، چهار متغیر تعهد به هنجارها، جنس (مرد)، باور به اصول اخلاقی و مهارت‌های اجتماعی توانستند ۴۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین کنند (احمدی و معینی، ۱۳۹۴).

مبانی نظری

نظریه‌های فشار اجتماعی به عواملی در جامعه می‌پردازد که برخی مردم را تحت فشار قرار می‌دهند و آنان را مجبور به کج‌رفتاری می‌کنند. رابرت مرتن این فشار را ناشی از عدم توانایی شخص در دستیابی به اهداف مقبول اجتماعی می‌داند. آلبرت کوهن ناکامی در رسیدن به جایگاه بالا در جامعه را عامل فشار برمی‌شمارد و کلوارد و الین عدم برخورداری اشخاص از فرصت‌های نامشروع برای نیل به هدف را واردکننده فشار بر افراد و راندن آنان به سوی کج‌رفتاری می‌دانند (تیو^۱، ۲۰۰۱: ۱۷). از جمله نظریه‌پردازان یادگیری اجتماعی می‌توان به ساترلند (پیوند افتراقی) اشاره کرد. او معتقد است که افراد به این علت کج‌رفتار می‌شوند که تعداد ارتباط‌های انحرافی آنان بیشتر از ارتباط‌های غیرانحرافی شان است و ارتباط بیشتر آنان با کج‌رفتاران یا ایده‌های کج‌رفتاری، علت اصلی کج‌رفتاری آنهاست. دانیل گلیزر در نظریه «هویت‌پذیری افتراقی» معتقد است که تعامل با کج‌رفتاران واقعی و مجازی به خودی خود ضرری ندارد، مگر اینکه به حدی برسد که فرد خود را با کج‌رفتاران یکی بداند و از آنها هویت بگیرد. در نظریه «تقویت افتراقی» بر اساس نظریه تقویت در روان‌شناسی می‌گویند ادامه یا توقف هر نوع رفتاری، بستگی به تشویق یا مجازات دارد؛ یعنی تشویق موجب ادامه رفتاری خاص و مجازات باعث توقف آن خواهد شد و در واقع، «تقویت» علت اصلی کج‌رفتاری است (صدیق سروستانی، ۱۳۸۸: ۵۰). همچنین در مکتب شیکاگو، نظریه بوم‌شناختی پارک با رویکرد جامعه‌شناسی شهری، بزهکاری جوانان را تبیین کرد و بر این پیش‌فرض استوار است که بزهکاری با برخی از ویژگی‌های شهرنشینی، مانند زبان، قومیت، مهاجرت، حوزه‌های سکونتگاهی و تراکم جمعیت رابطه دارد. پارک معتقد بود که نواحی شهری از انگیزه‌ها و غرایز ساکنان ممانعت می‌کند و موجب انحرافات اجتماعی می‌شود (احمدی، ۱۳۹۴). در نظریه برچسب‌زنی رویکرد جامعه‌شناختی کاملاً متمایزی است که بر روی نقش

1. Thio

برچسب‌زنی اجتماعی در گسترش جرم و انحراف تأکید دارد. پیش‌فرض اساسی نظریه برچسب‌زنی این است: تعریفی که جامعه از برخی رفتارهای انسان ارائه می‌کند، اساس و مبنای انحراف اجتماعی است (احمدی، ۱۳۹۴).

در ارتباط با مهارت‌های اجتماعی به‌عنوان متغیر مستقل، دو دسته نظریه اصلی وجود دارد: «نظریات روان‌شناختی» و «نظریات اجتماعی».

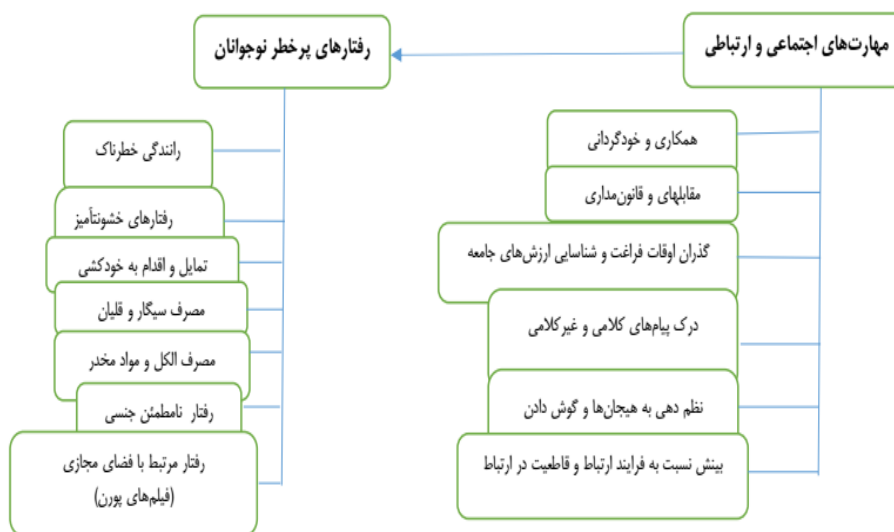
- **نظریات روان‌شناختی** شامل: «نظریات انتظار، اسنادی و سلسله‌مراتبی» هستند. در نظریه انتظار بر این نکته تأکید می‌شود که چه چیزی از ارتباط انتظارات مرتبط با رفتار کلامی و غیر کلامی هستند (ویلسون و ساببی، ۲۰۰۳: ۱۱). در نظریه اسنادی افراد در مورد موقعیت‌ها خوش‌بین هستند. آنها شکست یا موفقیت خود را به عوامل مختلف نسبت می‌دهند. در واقع، نسبت دادن یک نوع قضاوت علی درباره رفتار یا حوادث است. «وینر» واکنش افراد نسبت به موفقیت یا شکست را تبیین می‌کند. برای مثال، فردی که در آزمون نمره خوب نگرفته، ممکن است عدم موفقیت خود را به عدم آمادگی یا سخت بودن آزمون نسبت دهد. البته افراد زمانی که موفقیت خود را به عوامل درونی نسبت می‌دهند، احساس سربلندی و غرور می‌کنند (ویلسون و ساببی، ۲۰۰۳: ۱۶-۱۵). در نظریه سلسله‌مراتبی، افراد درگیر ارتباط، برنامه‌های کنش را ماهرانه انجام می‌دهند. با ارجاع به نظریه کنترل سیرنیک بر نظام‌های خودتنظیم‌گر تأکید می‌شود. بر این اساس، افراد با توجه به بازخوردی که از دیگران در ارتباط با رفتار خود می‌بینند، سعی در تنظیم رفتار و ارتباطات خود دارند (ویلسون و ساببی، ۲۰۰۳: ۲۴).

- **نظریات اجتماعی** به جای تأکید بر فرد به‌عنوان واحد تحلیل، بر روی گروه‌های اجتماعی تمرکز می‌کنند. نظریه دیالکتیک رابطه‌ای، باکستر و مونتگمری یکی از نظریات اجتماعی است که بیان می‌کند کنش‌ها نسبت به نیازها و تناقض‌ها حساس هستند. این نظریه بر روابطی تأکید می‌کند که حول فعل و انفعال پویای تمایلات متضاد - زمانی که در کنش متقابل به نمایش درآیند - سازمان می‌یابند و برای ایجاد، حفظ و سازماندهی یک رابطه انسانی ضروری‌اند (ویلسون و ساببی^۱، ۲۰۰۳: ۲۹-۳۰).

1. Wilson, Sabby

مدل تبیینی پژوهش

با توجه به نظریات ذکر شده می توان چارچوب نظری تحقیق را در قالب مدل تبیینی زیر طرح ریزی کرد.



بر اساس مدل تبیینی تحقیق، فرضیه‌های زیر تدوین شدند:

فرضیه اصلی

- آموزش مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی بر کاهش رفتارهای پرخطر نوجوانان اثربخش است.

فرضیات فرعی

- آموزش مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی بر کاهش رفتارهای خشونت‌آمیز نوجوانان اثربخش است؛

- آموزش مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی بر کاهش تمایل و اقدام به خودکشی نوجوانان اثربخش است؛
- آموزش مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی بر کاهش مصرف سیگار و قلیان نوجوانان اثربخش است؛
- آموزش مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی بر کاهش مصرف الکل و مواد مخدر نوجوانان اثربخش است؛
- آموزش مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی بر کاهش رفتار نامطمئن جنسی نوجوانان اثربخش است؛
- آموزش مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی بر کاهش رفتارهای مرتبط با فضای مجازی (دیدن فیلم‌های پورن) نوجوانان اثربخش است؛
- آموزش مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی بر کاهش رانندگی خطرناک نوجوانان اثربخش است.

هدف اصلی این پژوهش، بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی بر کاهش رفتارهای پر خطر نوجوانان و همچنین اهداف فرعی تحقیق شامل: رفتارهای خشونت‌آمیز، رانندگی پرخطر، خودکشی، رابطه جنسی نامطمئن، استفاده ناصحیح از دنیای مجازی و استفاده از مواد مخدر، الکل، سیگار و قلیان در نوجوانان کانون اصلاح و تربیت شهر کرمان در سال ۱۳۹۹-۱۴۰۰ است که در این پژوهش، به تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی در کاهش میزان خودکشی این نوجوانان پرداخته شده است.

روش تحقیق

در این پژوهش از روش نیمه تجربی استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق، نوجوانان پسر کانون اصلاح و تربیت شهر کرمان برابر با ۴۳ نفر در سال ۱۴۰۰ بوده است. با توجه به تعداد اندک آزمودنی‌ها در این تحقیق، هر ۴۳ نفر مورد آزمون قرار گرفتند. در این تحقیق، از روش تمام‌شماری استفاده شده است، یعنی همه آزمودنی‌ها مورد سنجش قرار گرفتند. در این پژوهش از ابزار پرسشنامه (تست پیش‌آزمون - پس‌آزمون) استفاده شده است؛ زیرا

پرسشنامه ابزار بسیار ساختارمندی برای گردآوری داده‌هاست و از هر پاسخگو مجموعه یکسانی از سؤالات پرسیده می‌شود (دواس^۱، ۱۳۹۴: ۸۷). رفتارهای پرخطر در قالب ۴۰ گویه در ۷ حوزه شامل رانندگی خطرناک، رفتارهای خشونت‌آمیز، تمایل و اقدام به خودکشی، مصرف سیگار و قلیان، مصرف الکل و مواد مخدر، رفتار نامطمئن جنسی و رفتارهای مرتبط با فضای مجازی (استفاده از فیلم‌های پورن) به شکل طیفی در قالب پاسخ‌های «هرگز، یک یا دوبار، گاهی و بیشتر اوقات» مورد سنجش قرار می‌گیرند. روایی پژوهش به شیوه اعتبار صوری و با مراجعه و تبادل نظر با افراد متخصص و صاحب‌نظر تضمین شد. در این پژوهش برای سنجش پایایی ابزار اندازه‌گیری، از آلفای کرونباخ استفاده شده است. ضریب آلفای کرونباخ برای متغیرهای پژوهش در سطح قابل قبول و برای متغیرهای اصلی پژوهش، یعنی رفتارهای پرخطر برابر با ۰/۹۱ است که نشان می‌دهد مقیاس طراحی شده برای سنجش رفتارهای پرخطر از پایایی بالایی برخوردار است. به دلیل اینکه پژوهش مورد نظر یک نوع مطالعه تحلیلی مشاهده‌ای است، یک جمعیت مرجع یا بخشی از آن، انتخاب و با بررسی ویژگی‌های این جمعیت، دو گروه مواجه‌شده با عامل خطر یا مواجه‌نشده شکل می‌گیرند (گروه تحت آموزش مهارت‌ها و گروه بدون آموزش مهارت‌ها).

در این تحقیق، از آموزش مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی کمک گرفته و برنامه آموزشی ارائه شد.

برنامه و مراحل اجرای آموزش مهارت اجتماعی و ارتباطی به شرح زیر بوده است:

روش آموزش به این ترتیب است که ابتدا پژوهشگر موضوع هر جلسه و هدف آن را بیان می‌کند و حدود ۲۰ دقیقه به ارائه موضوع می‌پردازد. سپس مهارت‌ها در قالب مثال برای آزمودنی‌ها ارائه می‌شود. بعد از آن، آزمودنی‌ها باید به انجام فعالیت‌های عملی ارائه‌شده در کلاس و بحث گروهی بپردازند و پژوهشگر در مباحث گروهی شرکت کند و راهنمایی‌های لازم را ارائه دهد. همچنین بازخوردهای لازم توسط پژوهشگر به گروه ارائه می‌شود. این دوره آموزشی در دوازده هفته و هفته‌ای یک جلسه ارائه می‌شود و یک ماه پس از آخرین جلسه آموزش مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی (متغیر مستقل)، هر گروه مجدداً مورد آزمون پیگیری قرار می‌گیرد.

1. De Vaus

پروتکل آموزش مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی

جلسه اول: معارفه و آشنایی با اعضای گروه، بیان مقررات گروه و بحث در مورد اهمیت مهارت‌های اجتماعی.

جلسه دوم: آموزش شیوه‌های مبادله تعارفات روزمره، شروع گفت‌وگو، ادامه مناسب و خاتمه دادن آن و گوش دادن همراه با تمرین.

جلسه سوم: آموزش نحوه تقاضا کردن از دیگران و مهارت‌های مربوط به ابراز احساسات مثبت و منفی.

جلسه چهارم: آموزش نحوه ابراز احساسات خاص مانند خشم و اندوه و تشریح خودکنترلی با استفاده از الگو و تمرین کردن.

جلسه پنجم: تصمیم‌گیری‌های مناسب و طرز نه گفتن با تمرین و ارائه تکالیف.

جلسه ششم: نحوه انتقادپذیری و مهارت‌های معذرت‌خواهی با تمرین.

جلسه هفتم: آموزش و تمرین مشارکت و همکاری و کنار آمدن با مشکلات و بحران‌ها در روابط با همسالان و اعضای خانواده.

جلسه هشتم: مسئولیت‌پذیری و ابراز نظر مثبت درباره خود با تمرین.

جلسه نهم: چگونگی مواجهه و مسئله‌گشایی.

جلسه دهم: تشریح نحوه پذیرفتن و کنار آمدن با قوانین و مقررات در خانه، مدرسه یا جامعه.

جلسه یازدهم: ابراز وجود.

جلسه دوازدهم: جمع‌بندی و ارزشیابی نتایج جلسات.

در ضمن، یک ماه پس از اتمام جلسات، پس‌آزمون اجرا شد.

یافته‌های تحقیق و تحلیل آنها

جدول ۱. یافته‌های جمعیت‌شناختی تحقیق

متغیر	گروه کنترل		گروه آزمایش	
سن	۱۱-۱۵	۱۶-۱۹	۱۱-۱۵	۱۶-۱۹
	۰	۲۱	۱	۲۱
تحصیلات	کمتر از دیپلم	دیپلم	کمتر از دیپلم	دیپلم
	۱۹	۰	۲۰	۲
وضعیت تأهل	مجرد	متأهل	مجرد	متأهل
	۱۸	۳	۲۰	۲
قومیت	فارس	غیرفارس	فارس	غیرفارس
	۱۳	۸	۱۶	۶
ساختار خانواده	زندگی با والدین	زندگی با یکی از والدین	زندگی با والدین	زندگی با یکی از والدین
	۱۸	۳	۱۹	۳

یافته‌های جمعیت‌شناختی

یافته‌های جمعیت‌شناختی پژوهش نشان داد که از ۲۲ نفر شرکت‌کننده در گروه آزمایش، ۱ نفر ۱۱ ساله، ۳ نفر ۱۶ ساله، ۸ نفر دارای ۱۷ سال سن، ۵ نفر ۱۸ ساله و ۵ نفر ۱۹ ساله و از ۲۱ نفر شرکت‌کننده در گروه کنترل، ۹ نفر ۱۶ ساله، ۸ نفر دارای ۱۷ سال سن و ۴ نفر ۱۹ ساله بودند. ۴ نفر از شرکت‌کنندگان گروه کنترل دارای تحصیلات ابتدایی، ۲ نفر راهنمایی، ۱۳ نفر دبیرستان و ۲ نفر تحصیلات خود را اعلام نکرده بودند. در گروه آزمایش، ۴ نفر دارای تحصیلات ابتدایی، ۷ نفر راهنمایی، ۹ نفر دبیرستان و ۲ نفر دیپلم بودند. ۱۸ نفر از شرکت‌کنندگان گروه کنترل مجرد و ۳ نفر متأهل و در گروه آزمایش، ۲۰ نفر مجرد و ۲ نفر متأهل بودند. ۱۳ نفر از شرکت‌کنندگان گروه کنترل فارس، ۱ نفر ترک، ۱ نفر کرد و ۶ نفر بلوچ بودند. در گروه آزمایش، ۱۶ نفر فارس، ۳ نفر بلوچ و ۳ نفر قومیت خود را مشخص نکرده بودند. ۱۸ نفر از شرکت‌کنندگان گروه کنترل با

والدین خود، ۱ نفر با پدر و ۲ نفر با مادر زندگی و در گروه آزمایش ۱۹ نفر با والدین، ۱ نفر با پدر و ۲ نفر با مادر زندگی می‌کردند که به صورت خلاصه در جدول ۱ آمده است.

آمار استنباطی

جدول ۲ و ۳ نشان می‌دهند که آموزش مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی در کاهش رفتارهای پر خطر نوجوانان مؤثر بوده است. با توجه به طرح حاضر که از نوع پیش‌آزمون و پس‌آزمون بود، به منظور تحلیل داده‌ها و کنترل اثر پیش‌آزمون از تحلیل کوواریانس چند متغیره استفاده شده است. در این نوع تحلیل، بایستی شرط‌های ذیل برقرار باشد تا بتوان به نتایج آن اطمینان داشت. یکی از مفروضه‌های آزمون تحلیل کوواریانس چند متغیری، بررسی همسانی ماتریس‌های واریانس - کوواریانس است که بدین منظور از آزمون باکس استفاده شده است. مقدار این آزمون « $F=1/35$ ، $P=0/215$ » و « $Box's M=8/802$ » محاسبه شد و از آنجایی که معناداری آزمون باکس بیشتر از ۰/۰۵ است، می‌توان نتیجه گرفت که ماتریس‌های واریانس - کوواریانس همگن هستند. برای بررسی همگونی واریانس‌های دو گروه در مرحله پس‌آزمون، از آزمون همگونی واریانس لوین استفاده شده است.

جدول ۲. نتایج آزمون لوین تساوی واریانس‌های خطا در متغیرهای وابسته تحقیق

متغیرها	F	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	سطح معناداری
رفتارهای خشونت‌آمیز	۳/۹۴	۱	۳۴	۰/۰۶۸
تمایل و اقدام به خودکشی	۳/۲۲	۱	۳۴	۰/۰۷۶
مصرف سیگار و قلیان	۳/۲۵	۱	۳۴	۰/۰۷۴
مصرف الکل و مواد مخدر	۱/۴	۱	۳۴	۰/۰۶۲
رفتار نامطمئن جنسی	۲/۹۱	۱	۳۴	۰/۰۸۹
رفتارهای مرتبط با فضای مجازی	۳/۸۷	۱	۳۴	۰/۰۷۲
رانندگی خطرناک	۴	۱	۳۴	۰/۰۶۶

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، از آنجایی که نتایج آزمون لوین برای هیچ کدام از متغیرها معنی‌دار نیست ($P > 0/05$)، مفروضه همگنی واریانس‌ها نیز تأیید می‌شود. با توجه به برقراری مفروضه‌های بالا، مجاز به استفاده از آزمون تحلیل کوواریانس چند متغیره هستیم.

جدول ۳. نتایج تحلیل کوواریانس چند متغیره برای مقایسه گروه‌ها
در متغیرهای وابسته با کنترل پیش‌آزمون

متغیر	نام آزمون	مقدار	F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	سطح معناداری	اندازه اثر
	لانداى ويلكز	۰/۶۱۲	۲/۵۳۹	۷	۲۸	۰/۰۳۷	۰/۳۸

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، آماره چند متغیری مربوط یعنی لانداى ويلكز، در سطح ۹۵ درصد ($P < 0/05$) معنادار است. بدین ترتیب، فرض صفر آماری رد و مشخص می‌شود که ترکیب خطی هفت متغیر وابسته، میزان پس‌آزمون متغیرهای رفتارهای خشونت‌آمیز، تمایل و اقدام به خودکشی، مصرف سیگار و قلیان، مصرف الکل و مواد مخدر، رفتار جنسی، رفتارهای مرتبط با فضای مجازی و رانندگی خطرناک، پس از تعدیل تفاوت‌های هفت متغیر هم‌پراش، پیش‌آزمون‌های رفتارهای خشونت‌آمیز، تمایل و اقدام به خودکشی، مصرف سیگار و قلیان، مصرف الکل و مواد مخدر، رفتار جنسی و رفتارهای مرتبط با فضای مجازی از متغیر مستقل «آموزش مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی» تأثیر پذیرفته است.

جدول ۴ و ۵ نشان می‌دهند که آموزش مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی در کاهش خودکشی مؤثر بوده است.

با توجه به اینکه آزمون چند متغیری مذکور، معنادار بوده و ترکیب خطی متغیر وابسته از متغیر مستقل اثر پذیرفته است؛ به بررسی این موضوع می‌پردازیم که آیا هر کدام از متغیرهای وابسته، از متغیر مستقل اثر پذیرفته است. بدین ترتیب، از تحلیل کوواریانس تک متغیره استفاده شده است. از شرایط لازم داده‌ها برای کوواریانس، این است که متغیرهای هم‌پراش باید یک

رابطه خطی مشخص با متغیر وابسته داشته باشند و از به کار بردن متغیرهای گسسته، مانند جنسیت به عنوان متغیر هم‌پراش اجتناب کنند. هر دوی این شرایط در پژوهش حاضر رعایت می‌شود. از جمله آزمون‌هایی که در ابتدای تحلیل کوواریانس اجرا می‌شود، آزمون یکسانی شیب خط رگرسیون برای شرایط آزمایشی است. به عبارتی، تعامل بین شرایط آزمایشی و متغیر هم‌پراش (پیش‌آزمون)، نایستی معنادار باشد.

جدول ۴. آزمون یکسانی شیب خط رگرسیون برای شرایط آزمایشی (متغیر خودکشی)

منبع	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
پیش‌آزمون	۹۰/۶۴	۱	۹۰/۶۴	۶/۷۹	۰/۰۷۳
گروه	۳/۲۷	۱	۳/۲۷	۶/۱۱	۰/۰۶۸
خطا	۵۲۰/۸۹	۳۹	۱۶/۳۶		
کل	۷۵۲/۵۷۸	۴۳			

از آنجایی که مقدار سطح معناداری به دست آمده برابر با ۰/۲ و بیشتر از ۰/۰۵ است، شیب خط رگرسیون معنادار نیست. در ادامه، نتیجه تحلیل کوواریانس، در جدول ۵ آمده است.

جدول ۵. نتایج تحلیل کوواریانس رفتارهای خشونت‌آمیز در دو گروه آزمایش و کنترل

منبع	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
پیش‌آزمون	۶۳/۱۷۴	۱	۶۳/۱۷۴	۷/۷۹	۰/۰۶۵
گروه	۹۴/۷۵۳	۱	۹۴/۷۵۳	۱۱/۶۹	۰/۰۲۲
خطا	۳۲۴/۱۷	۴۰	۸/۱		
کل	۷۵۲/۵۷۸	۴۳			

طبق اطلاعات جدول شماره ۵، بعد از حذف اثر پیش‌آزمون ($F=11/69$ و $p < 0/05$)، بین خودکشی دو گروه تفاوت معنی‌داری وجود دارد و فرض صفر رد و فرض خلاف تأیید می‌شود. با توجه به پایین بودن میانگین خودکشی در گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل، می‌توان گفت آموزش مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی بر کاهش خودکشی مؤثر بوده است.

نتیجه‌گیری

با توجه به ساختار سنی جوان کشور و نظر به آنکه نوجوانان آسیب‌پذیرترین قشر جامعه در برابر رفتارهای پرخطر هستند، بدیهی است که هرگونه ضایعه و نارسایی در بهداشت جسمی و روانی و نیز کاهش توانایی این قشر حرکت‌ساز، باعث کاهش پیشرفت جامعه می‌شود و از طرف دیگر، عدم سلامت جسمی و روانی آنها ممکن است در درازمدت بر سلامت افراد جامعه نیز اثر منفی بگذارد و بر عملکرد سایر نوجوانان و خانواده‌های ایشان نیز تأثیر بسزایی داشته باشد.

نتایج آزمون فرضیات نشان داد که بین آموزش مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی و کاهش رفتارهای پرخطر، ازجمله خودکشی ارتباط معنی‌داری وجود داشته و آموزش مهارت‌ها توانسته است که اثر این رفتارها را کاهش دهد. آنچه از نتایج تحقیق می‌توان استنتاج کرد این است که همچون تحقیقات قبل، آموزش مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی در کاهش رفتارهای پرخطر به طور کلی مؤثر بوده است. این تحقیق با تحقیقات پیشین همسو بوده است؛ البته در فرضیات فرعی همچون خودکشی با تحقیق علیزاده و همکاران و کردنوقایی و همکاران همسو بوده و با تحقیقات خواجه نوری و هاشمی نیا، شهبازیان خونیک و همکاران، رحیمی و همکاران، رضایی و صاحب‌دل، احمدی و معینی ناهمسو بوده است.

همان‌طور که قبلاً اشاره شد، چارچوب نظری این تحقیق در ابتدا مبتنی بر نظریه فشار اجتماعی بود که نظریه‌پردازان آن، از جمله «رابرت مرتن» این فشار را ناشی از ناتوانی شخص در دستیابی به اهداف مقبول اجتماعی می‌دانند. آلبرت کوهن ناکامی در رسیدن به جایگاه بالا در جامعه را عامل فشار برمی‌شمارد. ساترلند در پیوند افتراقی معتقد است که افراد به این علت کج‌رفتار می‌شوند که تعداد ارتباط‌های انحرافی آنان بیشتر از ارتباط‌های غیرانحرافی‌شان است و ارتباط بیشتر آنان با کج‌رفتاران یا ایده‌های کج‌رفتاری علت اصلی کج‌رفتاری آنهاست. همچنین

جامعه‌شناسان مکتب شیکاگو در دو سطح خرد و کلان به بررسی مسائل شهری پرداختند. تحقیقات آنها هم شامل نظریه‌های کلان است که نشان می‌دهد چگونه ارقام جرم و جنایت در میان اجتماعات گوناگون متفاوت است و هم نظریات سطح خرد را شامل می‌شود که به جریان‌های روان‌شناسی اجتماعی توجه دارد که زیربنای این جریان‌ها در سطح کلان هستند. نظریه «بی‌سازمانی اجتماعی» نیز توسط پارک و دو تن از شاگردان مکتب شیکاگو به نام‌های شاو و مک کی مطرح شده است. آنها معتقد بودند که مشکلات اجتماعی شهر شیکاگو به علت الگوهای کنترل‌نشده مهاجرت و ایجاد منطقه‌های طبیعی است که در این مناطق، اهالی از فرهنگ کلی جامعه جدا افتاده‌اند. همچنین پیش‌فرض اساسی در نظریه برجسب‌زنی این است: تعریفی که جامعه از برخی رفتارهای انسان ارائه می‌کند، اساس و مبنای انحراف اجتماعی است. از آنجایی که این اهداف در رشد بهنجار نوجوان مهم هستند، رفتارهای پرخطر، نوجوانان و جوانان را در دستیابی به این اهداف کمک می‌کنند. برعکس، پیامدهای منفی رفتارهای پرخطر می‌تواند بسیاری از امور مربوط به رشد را به مخاطره بیندازد و شایستگی، بلوغ، نقش‌های اجتماعی مطلوب و گذر سالم و صحیح به بزرگسالی را مانع شود.

به نظر می‌رسد با توجه به نظریات متعدد آورده‌شده در ادبیات تحقیق رفتارهای پرخطر نوجوانان در سطوح مختلف جرایم برگرفته از محیط و وضعیت اجتماعی و دوستان و همسالان آنهاست و اگر موقعیت مطلوب برای نوجوانان مهیا باشد، می‌تواند جلوی خیلی از خطرات را در سنین بعدی آنها بگیرد.

همچنین می‌توان گفت نوجوانان و جوانان هر جامعه‌ای مدیران، مسئولان، اداره‌کنندگان و تولیدکنندگان فردای جامعه هستند. توجه به راهکارهای کاهش رفتارهای پرخطر در این سن، مهم و حیاتی است. در این میان، مطالعات نشان می‌دهند که مداخله‌های درمانی مناسب می‌تواند به میزان بالایی رفتارهای پرخطر از جمله اعتیاد، خودکشی و فرار نوجوانان را پیش و پس از اقدام کاهش دهد. برای تدوین مداخلات درمانی مناسب همچون آموزش مهارت‌ها، بررسی‌های زیادی در مورد شناخت ویژگی‌های شخصیتی و شناختی این گونه افراد و نیز عوامل خطر ساز محیطی انجام شده است. در بیشتر این مطالعات، مشخص شده است که این افراد به‌ویژه خصوصیات شناختی‌ای دارند که می‌تواند عامل خطر ساز مهمی برای اقدام‌های آنان باشد. از جمله این

ویژگی‌ها می‌توان به «عدم رویارویی، نداشتن مهارت‌های حل مسئله، تحجر شناختی، ناامیدی، نظر منفی نسبت به خود و محیط، عدم ارتباط صحیح با دیگران و...» اشاره کرد. نتایج آزمون فرضیات نشان داد که آموزش مهارت اجتماعی و ارتباطی بر رفتارهای پرخطر و اقدام و تمایل به خودکشی در بین نوجوانان پسر کانون اصلاح و تربیت تأثیر دارد.

آنچه از تحقیق حاضر می‌توان نتیجه گرفت این است که آموزش مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی به شکل چشمگیری بر کاهش رفتارهای پرخطر نوجوانان مؤثر بوده و همان‌طور که از آزمون فرضیات مشخص است، ترکیب خطی هفت متغیر وابسته، میزان پس‌آزمون متغیرهای رفتارهای خشونت‌آمیز، تمایل و اقدام به خودکشی، مصرف سیگار و قلیان، مصرف الکل و مواد مخدر، رفتار نامطمئن جنسی، رفتارهای مرتبط با فضای مجازی (استفاده از فیلم‌های پورن) و رانندگی خطرناک، پس از تعدیل تفاوت‌های هفت متغیر هم‌پراش، پیش‌آزمون‌های رفتارهای خشونت‌آمیز از متغیر مستقل «آموزش مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی» تأثیر پذیرفته است.

هدف اصلی این پژوهش، آموزش مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی به نوجوانان کانون اصلاح و تربیت در جهت کاهش رفتارهای پرخطر بود. برنامه آموزشی به نوجوانان یاد می‌داد که چگونه با استفاده از مهارت‌های رفتار جرأت‌مندانه، تصمیم‌گیری و تفکر نقاد در مقابل وسوسه یا پیشنهاد سوءمصرف مواد از سوی همسالان مقاومت کنند. هدف، طراحی یک برنامه واحد پیشگیری اولیه بود و آموزش مهارت‌ها در جهت کاهش رفتارهای پرخطر نوجوانان، از جمله خودکشی از متغیر مستقل «آموزش مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی» تأثیر پذیرفته است. یکی از عواملی که می‌توان برای عدم تأثیرگذاری آموزش مهارت‌ها بر برخی رفتارها نام برد، می‌تواند شرایط اقتصادی یا محل سکونت این افراد باشد؛ زیرا خیلی از نوجوانان کانون اصلاح و تربیت دارای درآمد پایین بودند و عامل دیگری که آموزش‌ها بر برخی رفتارها نمی‌توانست تأثیر داشته باشد، به دلیل موقعیت نمونه آماری تحقیق بود و اینکه این گروه از نوجوانان به برخی از رفتارها دسترسی نداشتند، از جمله رفتارهای جنسی یا مصرف الکل و عدم دسترسی به دنیای مجازی.

به طور کلی، از بین نهادهای مختلف، «خانواده» به عنوان یک متغیر اصلی در بود یا نبود بزهکاری نقش دارد؛ زیرا اولین جایی است که فرد با آن روبه‌رو و در آن، بزرگ می‌شود. بنابراین، خانواده در درونی کردن هنجارهای جامعه و آموزش صحیح مهارت‌های اجتماعی و

ارتباطی نقش بسیار مهمی برعهده دارد. با این حال، اگر خانواده نتواند کارکردهای خود را به خوبی انجام دهد، زمینه بروز بسیاری از انحرافات و بزهکاری‌ها فراهم خواهد شد. ساختار خانواده، از جمله خانواده‌اژه‌گسیخته که یک یا هر دوی والدین به علت رویدادهایی مانند مرگ، طلاق و موارد دیگر حضور ندارند، یکی از عوامل تأثیرگذار در رفتار جوانان به شمار می‌رود. هرچه میزان اختلاف بین والدین بیشتر بوده و محیط خانه دچار تنش باشد و رابطه والدین با فرزندان و الگوهای نظارتی که والدین اعمال می‌کنند، ضعیف‌تر باشد، میزان بزهکاری و رفتارهای پرخطر نوجوانان افزایش می‌یابد. احساس یگانگی عاطفی با والدین، رفتار توأم با عشق و احترام والدین با فرزندان و وجود سازگاری در زندگی زناشویی باعث می‌شود که نوجوانان و جوانان به طور چشمگیری گرایش کمتری به انجام رفتارهای بزهکارانه و پرخطر داشته باشند. کمبود مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی برای انجام رفتار صحیح موجب ارتکاب اعمال بزهکارانه و رفتارهای پرخطر از سوی افراد می‌شود. همان‌طور که در آزمون فرضیات مشاهده شد، رابطه معکوس بین مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی و رفتارهای پرخطر وجود دارد؛ یعنی با میزان اطمینان ۹۵ درصد، نسبت F برابر با ۲/۵۳۹ شده است که نشان‌دهنده تأثیر آموزش‌ها بر رفتارهای پرخطر نوجوانان پسر کانون اصلاح و تربیت شهر کرمان در سال‌های ۱۴۰۰-۱۳۹۹ بوده است. همچنین همان‌طور که در یافته‌های تحقیق آمد، آموزش این مهارت‌ها به طور اخص، بر اقدام و تمایل نوجوانان پسر کانون اصلاح و تربیت مؤثر بود و نسبت F با ۹۵ درصد اطمینان برابر با ۱۱/۶۹ نشان‌دهنده این آموزش‌هاست.

مجهز بودن افراد به مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی، آنان را قادر می‌سازد که در موقعیت‌های مختلف، واکنش‌های مناسب و منطقی از خود بروز دهند و از وقوع رفتارهایی با پیامدهای خطرناک و مضر، جلوگیری کنند.

آموزش مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی به جوانان در معرض خطر کمک می‌کند تا روش‌هایی برای ایجاد یا نگهداری روابط اجتماعی مثبت با اعضای خانواده، همسالان و معلمان به وجود آورند. آموزش مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی می‌تواند دارای اثربخشی طولانی‌مدت در ارتباط با جلوگیری از وقوع رفتارهای ضداجتماعی در بین جوانان باشد. بنابراین، توجه به مقوله مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی می‌تواند در کاهش رفتارهای پرخطر بسیار مؤثر باشد.

فهرست منابع

۱. احمدی، حبیب (۱۳۹۴)، *جامعه‌شناسی انحرافات*، تهران: انتشارات سمت.
۲. احمدی، حبیب (۱۳۹۶)، *نظریه‌های انحرافات اجتماعی*، شیراز: انتشارات زر.
۳. احمدی، حبیب و مهدی معینی (۱۳۹۴)، «بررسی رابطه مهارت‌های اجتماعی و رفتارهای پر خطر نوجوانان: مطالعه موردی شهر شیراز»، *مجله پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران*، دانشگاه اصفهان، دوره ۴، ش ۱، صص ۲۴-۱.
۴. - احمدی، خدابخش؛ جواد خدادادی سنگده؛ علی ملازمانی؛ مصطفی خانزاده و سجاد امینی‌منش (۱۳۹۴)، «رفتار پر خطر نوجوانان: نقش نظارت والدین و هم‌نشینی با همسالان منحرف»، *فصلنامه علمی پژوهش‌های مشاوره*، دوره ۱۲، ش ۴۸، صص ۲۰-۴.
۵. اسماعیل‌زاده، هاجر؛ مسعود اسدی؛ میرنادر میری و مریم کرامتکار (۱۳۹۳)، «بررسی رفتارهای پر خطر در بین دانش‌آموزان دبیرستانی در قزوین»، *مجله همه‌گیری*، ش ۱۰، دوره ۳، صص ۷۵ تا ۸۲.
۶. دواس، دی. ای (۱۳۹۴)، *پیمایش در تحقیقات اجتماعی*، ترجمه هوشنگ نایی، تهران: نشر نی.
۷. رحیمی، علیرضا؛ یدالله خرم‌آبادی؛ یاور نوایی و راهله معین (۱۳۹۵)، «بررسی میزان تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر کاهش رفتارهای خطرساز دانش‌آموزان پسر دوره متوسطه در معرض خطر»، *مجله پژوهان*، دوره ۱۵، ش ۱، صص ۵۲-۴۴.
۸. رضایی، براتعلی و حسین صاحب‌دل (۱۳۹۵)، «اثربخشی آموزش مهارت‌های هوش معنوی بر کاهش رفتارهای پر خطر دانش‌آموزان پسر دوره متوسطه دوم»، *پنجمین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روان‌شناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی*.
۹. سازمان ملی جوانان (۱۳۹۹)، *پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های جوانان ایران*، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات.
۱۰. شولتز، دوان و سیدنی الن شولتز (۱۳۹۸)، *نظریه شخصیت*، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران: ویرایش.

۱۱. شهبازیان خونیق، آرش؛ امید حسنی و سمیرا سلیمانی (۱۳۹۶)، «بررسی نقش هوش اخلاقی و اجتماعی در رفتارهای پر خطر دانشگاه علوم پزشکی کردستان در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵»، *مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان*، دوره ۱۷، فروردین، صص ۳۹-۵۲.
۱۲. شومیکر، دونالد. جی (۱۳۹۷)، *نظریه‌های بزهکاری*، ترجمه صغری ابراهیمی قوام، تهران: انتشارات دانشگاه علوم انتظامی.
۱۳. صدیق سروستانی، رحمت الله (۱۳۸۸)، *آسیب‌شناسی اجتماعی* (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی)، تهران: سمت.
۱۴. علیزاده، سیما؛ غنچه راهب؛ زهرا میرزایی و سمانه حسین‌زاده (۱۳۹۹)، اثربخشی آموزش کفایت اجتماعی بر گرایش به رفتارهای پرخطر نوجوانان پسر مراکز شبانه‌روزی بهزیستی در شهرهای سبزوار و مشهد، *فصلنامه دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی*، دوره ۲۱، ش ۱.
۱۵. کردنوقابی، رسول؛ شهریار مرادی و آرزو دلفان بیرانوند (۱۳۹۶)، «خشونت در مدرسه: نقش توانایی همدلی، مهارت‌های ارتباطی و حل تعارض در کاهش رفتارهای خشونت‌آمیز نوجوانان»، *دوفصلنامه روان‌شناسی معاصر*، دوره ۱۲، ش ۲، صص ۱۸۵-۱۷۲.
۱۶. کارتلج، گندلین و جوان. اف میلبرن (۱۳۹۵)، *آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودکان*، ترجمه محمدحسین نظری‌نژاد، مشهد: نشر آستان قدس رضوی.
۱۷. مرزبان، آمنه؛ مهران برزگران؛ مریم ایاسی؛ هادی مرزبان؛ سمانه دلاوری و وحید رحمانیان (۱۳۹۵)، «شیوع رفتارهای پرخطر در نوجوانان دانش‌آموز مقطع دبیرستان شهر قم»، *مجله علوم دارویی پارس*، ج ۱۶، ش ۳، صص ۱ تا ۸.
۱۸. محمدی اصل، عباس (۱۳۸۵)، *بزهکاری نوجوانان و نظریه‌های انحراف اجتماعی*، تهران: نشر علم.
۱۹. وجدانی، نجمه (۱۳۹۷)، «پیش‌بینی گرایش به رفتارهای پرخطر بر اساس تحمل بلا تکلیفی و پیوند والدینی در نوجوانان»، *مجله پژوهش در نظام‌های آموزشی*، دوره ۱۲، بهار، صص ۱۱۵۰-۱۱۳۷.
۲۰. هارجی، اون؛ کریستین ساندروز و دیوید دیکسون (۱۳۹۲)، *مهارت‌های اجتماعی در ارتباطات میان‌فردی*، ترجمه خشایار بیگی و مهرداد فیروزبخت، تهران: نشر رشد.

21. Brown, M. R., Benoit, J. R., Juhas, M., Lebel, R. M., Mackay, M., Dametto, E., ... & Greenshaw, A. J. (2015). Neural correlates of high risk behavior tendencies and Impulsivity in an emotional Go/No Go fMRI task. **Frontiers in Systems Neuroscience**, 9, 24.
22. El Mhamdi, S., Wolfcarius-Khiari, G., Mhalla, S., Salem, K. B., & Soltani, S. M. (2011). Prevalence and predictors of smoking among Adolescent schoolchildren in Moastir, Tunisia. **Eastern Mediterranean health Journal**, 17(6), 523.
23. Han, Y., Grogan-Kaylor, A, Bares, C., Ma, J., Castillo, M, Delva, J (2012). Relationship between discordance in parental monitoring and behavioral problems among Chilean Adolescents .**Children and youth services review**. 34: 783-789.
24. Henneberger, A.K., Verga, S. M., Moudy, A. & Tolan, P. H. (2016). Family Functioning Andhigh risk Adolescentsaggressive Behavior: Examining Effectsby Ethnicity . **Journal of youth and Adolescents**, 45(1), 145-155.
25. MacCauley, E., Gudmundsen, G., Schloredt, K., Martell, C., Rhew, I., Hubley, S.,& Dimidjian , S. (2016). The Adolescent Behavioral Activation Program: Adapting Behavioral Activation as a Treatment for Depression in Adolescence. **Journal of Clinical Child & Adolescent Psychology**. 45 (3). 291-304.
26. Thio, Alex (2018). Deviant Behavior. 6th ed. Boston: Allyn & Bacon.
27. Wilson. S.R & Sabby .C.M (2003) Explicating Communicative Competence as Theoretical Term in J. O. Green & B. R. Burleson (Eds). Handbook of Communication & Social Interaction Skills. **New Jersey: Lawrence Erlbaum Associates**, P:3-50.